

## بزرگداشت روز جهانی زن و همبستگی با مبارزات مردم فلسطین پاریس. هشت مارس ۲۰۰۳

کمیته ضد سنگسار امسال نیز به مناسبت ۸ مارس، مراسمی برپا داشت که در آن پوران بازرگان تحت عنوان «مبارزه‌ی زنان امری جهانی‌ست. امسال از مبارزه‌ی زنان فلسطین یاد کنیم» سخنانی ایراد کرد که در زیر می‌آوریم. سپس زیبا کرباسی که از لندن آمده بود برخی از آثارش را که در دفتر چهارم شعرش منتشر شده قرائت کرد. پس از آنتراکت، زهره ستوده در باره جنبشی که اخیراً در فرانسه در دفاع از حیثیت و آزادی و امنیت زنان به ویژه در حومه شهرهای بزرگ درگرفته و هزاران تن از مردم به خصوص زنان از شهری به شهر دیگر راه پیمایی کرده و روز ۸ مارس به پاریس رسیدند مطالبی بیان داشت. سخنران بعدی آذر درخشان از سازمان زنان هشت مارس (ایرانی - افغانستانی) بود که در باره «اوضاع ایران و موقعیت جنبش زنان» صحبت کرد. پس از پرسش و پاسخ، با نواختن قطعاتی از موسیقی ایرانی توسط چند تن از دوستان هنرمند ایرانی و فرانسوی، مراسم به پایان رسید.

گفتنی‌ست که مقالاتی از قدیم و جدید پیرامون برخی مسائل زنان و نیز تحولات جاری در فلسطین و «جنگ آمریکا با عراق» و همچنین در معرفی انجمن‌های غیر دولتی فلسطینی و راه‌های کمک و همبستگی عملی با مردم به خصوص زنان فلسطین اسنادی تکثیر شده بود که در اختیار علاقمندان قرار داشت.

### سخنان پوران بازرگان:

روز جهانی رهایی زن، هشت مارس با مبارزه زحمتکشان و ستمدیدگان جهان پیوند دارد و جلوه‌ای درخشان از این مبارزه انسانی و اجتماعی‌ست. از این لحاظ برای ما افتخاری‌ست که این روز را با یاد مبارزات مردم فلسطین، به ویژه زنان فلسطینی همراه کنیم. اگر در سال گذشته این جشن و یاد و تعهد را با زنان افغانستان و کل مردم زحمتکش و ستمدیده آن سامان سهیم شدیم امسال این مراسم و جشن را با ابراز همبستگی با مبارزه زنان فلسطینی پیوند می‌دهیم تا به آن‌ها بگوییم که قلب ما نیز برای آزادی ملت فلسطین از اشغال استعماری اسرائیل می‌تپد.

برای من و نسل ما، اگر در دوران جوانی و تحصیل نام جمیله بوپاشا و جمیله بوحیرد به عنوان سمبل‌های مبارزه مردم، به ویژه زنان الجزایر، زیانزد ما بود و دفاع شجاعانه‌ی زنانی چون سیمون دوبوار و ژیزل حلیمی را از آن‌ها می‌خواندیم و ستایش می‌کردیم، در سال‌های بعد نام زنان و مردان فلسطینی و مقاومت روزمره آن‌ها الهام بخش مبارزه ما بود و با مبارزه جسورانه انقلابیون ایران علیه رژیم شاه در هم می‌آمیخت. مقاومت مردم فلسطین علیه اشغال از یک قرن پیش همچنان ادامه دارد و آرزوی ما این است که سرانجام حقوق ملی و تاریخی این خلق بتواند تحقق یابد.

من از اواسط دهه ۱۳۵۰ تا زمان قیام که به ایران برگشتم با زندگی و مبارزه فلسطینی‌ها به ویژه زنان تماس نزدیک داشتم. در اردوگاه صبرا و شاتایلا در غرب بیروت اقامت داشتم و در یک بیمارستان وابسته به هلال احمر فلسطین به نام بیمارستان غزه خدماتی انجام می‌دادم. مدتی هم خواهرم حوری بازرگان پیش از آنکه برای یک مأموریت سازمانی به عدن در یمن جنوبی برود در آنجا بود. سال‌های جنگ داخلی لبنان بود که عمدتاً به خاطر مخالفت احزاب دست راستی با حضور فلسطینی‌ها در لبنان برپا شده بود و سرانجام با حمله اسرائیل به لبنان، اشغال بیروت در سال ۱۹۸۲ فلسطینی‌ها از آنجا نیز رانده شدند. در همین صبرا و شاتایلا بود که وقتی اردوگاه تل الزعتر زیر بمباران ارتش سوریه

قرار گرفت از آوارگان این اردوگاه که از کشتار جان به در برده بودند استقبال کردیم و فاجعه‌ای فراموش نشدنی را که بارها بر این مردم روا داشته شده به چشم دیدیم. و باز در همین صبرا و شاتیلا بود که نیروهای حزب فاشیستی کتائب با موافقت ارتش اسرائیل زیر نظر شارون به قتل عام مشهور فلسطینیان این اردوگاه دست زدند.

زنان فلسطینی که با آن‌ها حشر و نشر داشتیم سیاسی بودند و به قول خودشان «ملتی که هرروزه در معرض مرگ قرار دارد از خود می‌پرسد که چرا می‌میرد و همین پرسش او را به سیاست می‌کشاند». شرکت در مبارزه سیاسی در هر سطحی که باشد، برای زنان فلسطینی جزئی از زندگی است. زندگی و جنگ با هم پیوندی تنگاتنگ دارند. جدایی ایندو آنطور که در سازمان‌های سیاسی و عمدتاً روشنفکری ما در زمان شاه و در دوره بعد وجود داشت دیده نمی‌شد. مبارزه در حاشیه زندگی قرار نداشت. دختری جوان به نام «دلالمغربی» را می‌شناختم که به زیبایی و آرایش و حتی تفریح خود توجه خاص داشت و اگر او را بیرون از محیط فلسطینی‌ها می‌دیدید گمان نمی‌بردی که اهل مبارزه‌ای چنان دشوار باشد. او را در بیمارستان بین کارکنان و داوطلبان دیده بودم. روزی که خبر کشته شدن او را در درگیری با ارتش اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی شنیدم و پوسترش را بر دیوار دیدم فهمیدم که او چگونه زندگی و مبارزه اش را با هم درآمیخته بوده است.

زنان فلسطینی مثل زنان در همه جوامع حافظ زبان و خاطره جمعی و ادامه حیات و تجسم مهر و عواطف انسانی‌اند. از آن‌ها بود که می‌شنیدیم در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ بر آن‌ها چه رفته و چگونه دار و ندار و اطفال خود را در آغوش گرفته از نابودی و جنگ نجات داده و به سرزمین همسایه پناه آورده‌اند و زندگی در اردوگاه‌های موقتی و زاغه‌ها و حلبی‌آبادها را به امید روزی که به وطن خویش بازگردند ادامه می‌دهند. سرزمین غصب شده را چنان مانند بهشت توصیف می‌کردند که فرزندان در آرزوی بازگشت به آن از هیچ خطری نمی‌هراسند. زنان فلسطینی مایه روشنی شعله مقاومتی هستند که بیش از ۵۰ سال است ملتی را برپا نگاه داشته است. همین طور است نقش زنان در عرصه دفاع از زندانیان، حمایت از کودکان، در تحصیل و آموزش فرزندان از دختر و پسر، و برپایی انجمن‌های مردمی. ملت فلسطین زیر ضربات دشمن اشغالگر و سرکوب رژیم‌های استبدادی عرب به شدت با پراکندگی و تلفات جانی و مالی و زندان و تبعید و انواع محرومیت‌ها رو برو بوده و زنان فلسطینی بار سنتی دوگانه را بردوش کشیده‌اند، هم به عنوان فردی از آن ملت و هم به عنوان زن در جامعه‌ای سنتی و مرد سالار. مشارکت زنان چه در اداره امور خانواده که غالباً به خاطر از بین رفتن مردان مسؤولیت را کاملاً به دوش گرفته‌اند و چه در مبارزه سیاسی و نظامی و اجتماعی هرچند باعث شل شدن برخی قیود سنتی گردیده ولی سنت‌های مردسالارانه همچنان جان سختی می‌کند و نیاز به مبارزه‌ای وسیع و عمیق همزمان با مبارزه آزادیبخش احساس می‌شود. برای آن‌ها امروز آشکار است که نمی‌توان به این دل خوش داشت که با حل مسأله ملی و کسب استقلال، حقوق زنان تأمین خواهد شد. نمونه الجزایر را نشان می‌دهند که چگونه علیرغم مشارکت فعالانه و درخشان زنان در مرحله مبارزه ملی، پس از استقلال، زنان را دوباره به خانه بازگرداندند و دست و پای آنان را با قانون اساسی مردسالارانه شان بستند. زنان فلسطینی در عین شرکت در انتفاضه و به زندان رفتن و به عهده گرفتن مشکلات مبارزه با اشغالگران، این هشیاری را دارند که سنت‌های مردسالار حتی در درون سازمان‌های مبارز ریشه دارتر از آن است که خود به خود از بین برود و جایگاه واقعی زنان را به عنوان انسان‌های برابر در کلیه عرصه‌های زندگی به رسمیت بشناسد. خانم سحر خلیفه رمان نویس فلسطینی که مجله‌ای به نام «زن» در شهر رام الله منتشر می‌کند در سال ۱۹۹۲ در مصاحبه‌ای می‌گوید:

«انتفاضه نقش‌های جدیدی به عهده زنان گذارده است. زن‌ها حالا به سوی دشمن سنگ می‌اندازند، در اداره و بهبود اوضاع تعاونی‌ها مشارکت دارند، جمعیت‌های فرهنگی و سیاسی را رهبری

می‌کنند. زن فلسطینی در انتفاضه قادر است هرکاری را که مردها می‌کنند انجام دهد. از صحنه کنار رفتن مرد چه به خاطر زندان و چه به خاطر کار در خارج از کشور، به زنان نقش و مسؤلیت واقعی را محول کرده است. تصمیم‌گیری چه در منزل و چه در خارج منزل به عهده اوست. انتفاضه تجربه نوینی است که او را به کشف خویش و قدرت تولیدی اش واقف ساخته و امروز احساس می‌کند که در تولید و کار با مرد برابری می‌کند. بدین ترتیب است که خواستار حقوق خود و مساوات با مرد شده است. زن فلسطینی احساس می‌کند که منزلتی کمتر از مرد ندارد زیرا همان مسؤلیت‌هایی را در بر می‌گیرد که سابقاً در انحصار مردان بود».

و در جای دیگر می‌گوید: «وقتی من در رمان «گل آفتابگردان» مسأله زن را با جسارت و وضوح طرح کردم، مورد حمله‌های مردسالارانه قرار گرفتم، به خصوص از طرف سازمان‌هایی که خود را چپ معرفی می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند که با استقرار یک نظام سوسیالیستی مسأله زن نیز همراه با انواع ستم‌های دیگر حل خواهد شد. اما تجربه شخصی من و تجارب زنان دیگر عکس این مسأله را ثابت کرده است. آخر رابطه بین مرد و زن حتی در درون سازمان‌های چپ، غیر از رابطه تسلط مرد و نفوذ مردسالارانه و سلطه جویانه او نیست. پس چطور می‌توانم ادعای مردی را که مدعی انقلابیگریست ولی خود در رابطه با زن رفتاری عقب مانده و سنتی را اعمال می‌کند باور کنم؟ ما چه زن و چه مرد بار سنگین رسوب‌های گذشته را در مورد تبعیض جنسی به دوش می‌کشیم» (به نقل از آرش شماره ۱۴ مارس ۹۲).

همچنین شاعر برجسته فلسطینی خانم فدوه توقان، خانم لیانا بدر رمان نویس و سینماگر، خانم حنان عشراوی استاد دانشگاه و وزیر دولت خودمختار، خانم لیلا خالد چریک مشهور سال‌های ۱۹۷۰ در آثار خود دائماً بر ضرورت پرداختن به امر رهایی زنان حتی در همین مرحله از مبارزه سراسری ملی پای می‌فشارند. توجه به این مسأله برای مبارزه ما ایرانی‌ها نیز اهمیت داشته و دارد که در عین مبارزه دموکراتیک یا طبقاتی با رژیم‌های حاکم باید با فرهنگ مردسالار هم که در ذهنیت همه ما از زن و مرد وجود داشته و دارد مبارزه کرد. به نظر من روحیه مردسالار را که در خود ما زنان هم وجود دارد با نقد خردمندان و سعه صدر و شکیبایی می‌توان از بین برد نه با روحیه نفرت و طرد جنس مرد و با درک عامیانه‌ای از فمینیسم. برخی از زنان که برای رهایی زن می‌خواهند مبارزه کنند گاه چنان دچار احساسات و برخورد واکنشی می‌شوند که برخوردشان در نفی و طرد طرف مقابل فرقی با سرکوب‌های مردسالارانه ندارد.

در سال‌های اخیر در نتیجه عوامل متعدد از جمله شکست راه‌های به اصطلاح سوسیالیستی و نیز ملی‌گرایانه و بحرانی که در دست یافتن به بیرون کردن اشغالگران و برپایی دولت فلسطین پدید آمده بخشی از مردم فلسطین برای مقابله با سرکوبگری‌های اسرائیل و سکوت جامعه بین‌المللی به سازمان‌های اسلامی حماس و جهاد اسلامی روی آورده‌اند. این بخش از مردم مثل غریقی هستند که به هر خس و خاشاکی چنگ می‌زند تا نجات یابد. متأسفانه برخی افراد لائیک که از دست رژیم جمهوری اسلامی به ستوه آمده‌اند گاه در حمایت از مردم فلسطین ابراز تردید می‌کنند و خود را از صف کنار می‌کشند. در حالی که حمایت از حقوق انسانی آن‌ها در مبارزه با اشغالگران و در راه حق تعیین سرنوشت مستلزم احترام به آنان است. به گفته خانم ژیزل حلیمی وکیل مدافع برجسته و یهودی تبار فرانسوی که در سال‌های ۱۹۶۰ دفاع از انقلابیون الجزایر و جمیله بوپاشا را بر عهده داشت و امروز وکیل مروان برغوتی است: «برای آنکه از حقوق انسانی فلسطینی‌ها دفاع کنی لازم نیست حتماً چپ باشی، تنها کافیست دمکرات باشی» یکجانبه‌نگری برخی از افراد لاییک و شرط گذاشتن برای حمایت از مردم فلسطین مرا به یاد شیخی می‌اندازد که در پاسخ به گرسنه‌ای که از او نان می‌خواست، می‌گفت اول باید مسأله دینی را جواب بدهی وگرنه به تو نان نخواهم داد!

به نقش مخرب رژیم جمهوری اسلامی ایران هم اشاره ای می‌کنم و آن اینکه این رژیم در تخریب جنبش مقاومت فلسطین همان نقشی را بازی کرده که اسرائیل می‌خواست است. اسرائیل سالها برای تضعیف سازمان آزادی بخش فلسطین که نهادی لائیک و مورد احترام جهانیست مستقیم و غیر مستقیم به تقویت اسلامگرایان (از جمله حماس که همان اخوان المسلمین شعبه فلسطین است) پرداخت. جمهوری اسلامی مردم فلسطین را «ملت مسلمان فلسطین» می‌نامد تا مسیحیان را طرد کند و تفرقه ایجاد نماید. رژیم ایران، فلسطین را مستعمره خود می‌خواهد، همان کاری که رژیم های عرب سالها کوشیده بودند انجام دهند. رژیم ایران با غوغای بیهوده‌ای که ظاهراً به حمایت از فلسطین و در واقع، برای تبدیل مبارزه فلسطین به جنگ مذهبی بین یهودی - مسلمان به راه انداخت، موجب شد که برخی از مردم که به حقیقت قضایا پی نبرده اند آرمان فلسطین را همدست و همکاسه رژیم ایران تصور کنند. جریان‌های دست راستی سلطنت طلب هم که همکاری شان با نژادپرستان اسرائیلی از دوره شاه معروف همگان است از این موقعیت بل گرفته علیه آرمان فلسطین و در جهت دامن زدن به خصومت با ملت های ستمدیده عرب تبلیغات می‌کنند. یکی از سردمداران جریان ارتجاعی سلطنت طلب در مصاحبه با رادیوی فارسی فرانسه RFI بارها از موضع شوینیستی ایرانی سخنانی گفته و به رژیم ایران توصیه کرده است که خود را به مسأله فلسطین آلوده نکند. در صورتی که مردم ایران هر زمان که آزاد و آگاه بوده‌اند همبستگی خود را با همزنجیران خود، یعنی ستمدیدگان جهان از ویتنام تا الجزایر و فلسطین و عراق اعلام کرده‌اند. به رغم خواست ارتجاعیون مذهبی و غیرمذهبی نیروهای مترقی و دمکرات و زحمتکشان ایرانی حمایت از فلسطین را وظیفه و مایه شرافت خود می‌دانند.

ما با زنان فلسطینی که در سخت ترین شرایط اشغال و سرکوب چه در فلسطین اشغالی و چه در اوضاع فاجعه آمیز اردوگاه های کشورهای همجوار (لبنان، سوریه و اردن) بسر می‌برند در یک سنگر قرار داریم، سنگر مبارزه با ارتجاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و چه بهتر که نه تنها در حرف و موضع گیری، بلکه در عمل نیز با آنان ابراز همبستگی کنیم. به همین منظور به مناسبت ۸ مارس کوشیده‌ایم پیشنهادهایی در جهت کمک به زن فلسطینی به شما ارائه کنیم. بروشورها را می‌توانید از میز کتاب بردارید. ما امیدواریم همبستگی خود را عملاً نشان دهیم.